خبر

افزایش شهدای غزه به بیش از ۲۳ هزار نفر

وزارت بهداشت غزه دیروز در نود و چهارمین روز جنگ از افزایش تعداد شهدا به ۲۳ هزار و ۸۴ نفر خبر داد. به گفته این وزارتخانه ۵۸ هزار و ۹۲۶ نفر نیز از ۷ اکتبر تاکنون زخمی شده‌اند.
وزارت بهداشت غزه همچنین در گزارش خود خبر داد طی ۲۴ ساعت گذشته، رژیم اشغالگر صهیونیستی، دست به ۱۷ جنایت جدید در غزه زده که در پی آن ۲۴۹ نفر شهید و ۵۱۰ نفر زخمی شده‌اند.
طبق این گزارش، بیمارستان‌های باقیمانده در غزه شاهد ازدحام شدیدی است و صدها مجروح در کف راهروها هستند به طوری‌که بیمارستان‌ها در تمام نقاط غزه به‌خصوص در بخش مراقبت‌های ویژه، قادر به ارائه خدمات نیستند.
در این راستا جیسون لی، مدیر بخش فلسطین سازمان نجات کودکان با استناد به آمارها اعلام کرد در بیش از سه ماه گذشته (از ۱۵ مهر) که ساکنان غزه زیر بمباران اسرائیل قرار دارند، روزانه به‌طور میانگین بیش از ۱۰ کودک یک یا هر دو پای خود را از دست داده است.
لی تاکید کرد: «کشتار و نقص عضو کودکان محکوم است و عاملان باید پاسخگو شوند».
سخنگوی یونیسف، جیمز الدر هم ۱۹ دسامبر (۲۸ آذر) بعد از بازگشت از غزه گفته بود در پی حملات اسرائیل، حدود ۱۰۰۰ کودک از ناحیه یک یا دو پا دچار نقص عضو شده‌اند.

شهادت فرمانده ارشد مقاومت در جنوب لبنان چه معنایی دارد؟

تاکتیک ترور در انتظار پاسخ جدی مقاومت

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

جام‌جم در مطلب اخیر خود تحت عنوان «محاصره از بیرون، ضربه از درون» به شرایط آشفته رژیم اشغالگر قدس اشاره کرده است. واقعیت امر این است که این فرمول، معطوف به شرایط بحرانی جاری در اراضی اشغالی و سردرگمی تاکتیکی و راهبردی این رژیم تبلور پیدا کرده و قطعا به اسم رمز شکست تل‌آویو در جنگ غزه تبدیل خواهد شد. اما سردرگمی راهبردی صهیونیست‌ها چه معنایی دارد و چگونه باید آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟
دو هفته قبل، رژیم صهیونیستی در اقدامی بی‌سابقه، یکی از ارشدترین مستشاران ایرانی را مورد حمله مستقیم قرار داد که منجر به شهادت سردار سیدرضی موسوی شد. این اقدام رژیم صهیونیستی به این معنی است که این رژیم تاکتیک خود را در جنگ غزه تغییر داده است. این تغییر تاکتیک قطعا از موضع اقتدار نبوده و واکنشی نسبت به شکست مطلق رژیم اشغالگر قدس در جنگ غزه محسوب می‌شود. ترور شهید العاروری در بیروت و شهادت جانشین یگان رضوان در جنوب لبنان نیز در امتداد همین تاکتیک صهیونیست‌ها باید مورد تحلیل قرار گیرد.

نظرسنجی‌ها در اراضی اشغالی کماکان به ضرر نتانیاهو و حزب لیکود رقم می‌خورد. در مقابل، بنی‌گانتس که در کابینه اضطراری (کابینه‌ای که پس از جنگ غزه تشکیل شده) عملا معادلات نبرد را هدایت می‌کند، به نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هشدارهایی را درخصوص تکروی‌ها و بحران‌سازی‌هایش مخابره کرده است. اخطارهای گانتس از این جهت اهمیت دارد که وی اصلی‌ترین رقیب نتانیاهو در انتخابات سراسری پیش‌رو محسوب می‌شود. دوگانه «نتانیاهو-گانتس» در اراضی اشغالی طی ماه‌ها و هفته‌های اخیر پررنگ‌تر شده است. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی یک روز پس از آن که بنی‌گانتس، وزیر کابینه جنگ به او هشدار داد «بین وحدت و بازی سیاسی یکی را انتخاب کند» خواستار کنار گذاشتن «همه‌چیز و تمرکز بر پیروزی بر حماس» شده است!
به عبارت بهتر، نتانیاهو بار دیگر آدرس پیروزی بر حماس را مخابره کرده است. اما بسیاری از تحلیلگران واستراتژیست‌های موساد و ارتش رژیم اشغالگر قدس معتقدند که نشانه‌ای دال بر این ادعای نتانیاهو (نابودی حماس) وجود ندارد و در آینده نیز نخواهد داشت. بنیامین نتانیاهو در پیامی ویدئویی بر لزوم ادامه عملیات نظامی در غزه تا «رسیدن به همه اهداف» تل‌آویو تأکید کرد اما این لفاظی تکراری، به مذاق منتقدان نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس خوش نیامده است. صورت مسأله برای افرادی مانند گانتس مشخص است؛ این‌که نتانیاهو قصد دارد زمان بخرد تا بلکه بتواند خود را در راس معادلات قدرت در تل‌آویو حفظ کند. در همین راستا نتانیاهو دست به ترسیم اهدافی ناممکن در جنگ غزه زده است؛ اهداف اعلامی رژیم اشغالگر قدس در جنگ غزه به گفته نتانیاهو، شامل «نابودی حماس، بازگرداندن گروگان‌ها و تسلط بر نوار غزه» می‌شود اما هیچ‌یک از این اهداف تحقق پیدا نکرده و جنگ نیز وارد فاز فرسایشی شده است. در چنین شرایطی صهیونیست‌ها تاکتیک ترور در خارج از اراضی اشغالی را به‌عنوان یک فرمول در دستور کار قرار داده‌اند. بدون شک راه مواجهه با این تاکتیک، همان محاصره از بیرون و ضربه از درون در اراضی اشغالی خواهد بود؛ یعنی صهیونیست‌ها باید هم از درون و هم از بیرون تحت فشار مضاعفی قرار گیرند تا چاره‌ای جز اعلام رسمی شکست در نوار غزه نداشته باشند.

برش

«حاج جواد» که بود

مقاومت اسلامی لبنان دیروز ساعتی بعد از گزارش رسانه‌های این کشور درباره حمله پهپادی اسرائیل به یک خودرو در جنوب لبنان، خبر شهادت یک فرمانده ارشد خود را اعلام کرد.
حزب‌ا... لبنان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «وسام حسن طویل» (حاج جواد) یکی از فرماندهان این جنبش در منطقه خربه سلم در راه قدس به شهادت رسیده است.
این بیانیه پس از آن صادر شد که منابع لبنانی از حمله پهپادی اسرائیل به یک خودرو در جنوب لبنان خبر دادند. رسانه‌های لبنانی گزارش داده بودند که یک پهپاد اسرائیلی خودرویی را در منطقه خربه سلم هدف قرار داده و این خودرو به طور کامل در آتش سوخته است.
به دنبال شهادت حاج جواد الطویل، رسانه‌ها گزارش کردند که این شهید از فرماندهان پیاده نظام واحد رضوان حزب‌ا... بوده است. به گزارش رسانه‌های لبنان، وی چند هفته پیش به عنوان فرمانده میدانی حزب‌ا... منصوب شده بود.
نیروهای ویژه حزب‌ا... که در یگانی به نام «رضوان» جمع شده‌اند، یکی از بزرگ‌ترین کابوس‌های رژیم اشغالگر در هر جنگی هستند. در شرایطی که ارتش رژیم صهیونیستی از ابتدا با معضل بزرگ ضعف نیروی زمینی مواجه بوده، حزب‌ا... در این عرصه تخصص و مهارت بالایی دارد. یگان ویژه نیروی زمینی حزب‌ا... به نام «رضوان» که برگرفته از لقب «عماد مغنیه» فرمانده شهید شاخه نظامی حزب‌ا... (ملقب به حاج رضوان) است، همواره چالش بزرگی برای صهیونیست‌ها بوده و تحلیل‌های متعددی از آن ارائه می‌دهند.

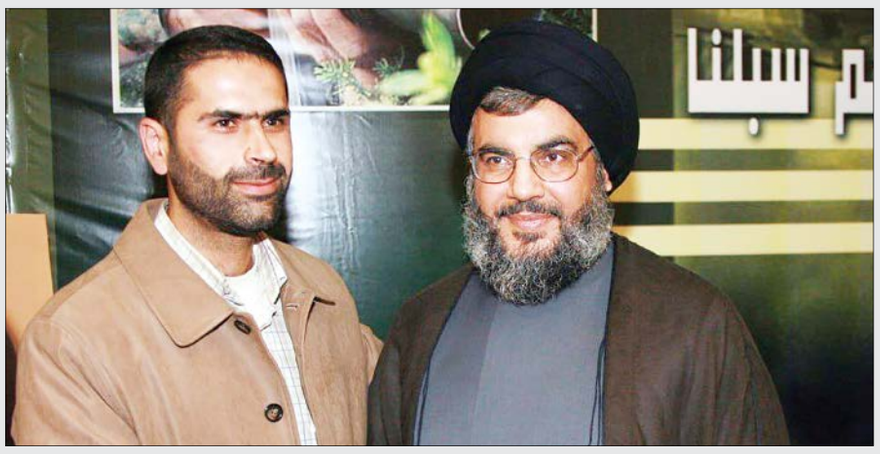

محافل و کارشناسان اسرائیلی معتقدند که در جنگ احتمالی آینده، یگان رضوان حزب‌ا... مسئول نفوذ به منطقه راهبردی «الجلیل» در شمال فلسطین اشغالی و آزادسازی آن خواهد بود. پیش از این سید حسن نصرا...، دبیرکل حزب‌ا... اعلام کرده بود که یگان رضوان، شامل تعداد زیادی رزمنده است که مجهز به سلاح‌های پیشرفته بوده و تخصص بالایی در نبردهای هجومی دارند.
صهیونیست‌ها که ضربات سهمگینی از حزب‌ا... لبنان دریافت کرده‌اند، ترور شهید الطویل را پاسخی به این شکست‌ها عنوان کرده و رسانه‌های عبری در گزارش‌های خود با اشاره به حملات اخیر حزب‌ا... لبنان به پایگاه هوایی مرون، وسام الطویل را مسئول این حمله معرفی کرده‌اند. صبح روز شنبه بود که مقاومت اسلامی لبنان با ۶۲ راکت مقر اطلاعاتی «میرون» در شمال فلسطین اشغالی را مورد حمله قرار داد.

حملات حزب‌ا... به صهیونیست‌ها

عصر دیروز به دنبال ترور وسام حسن طویل، حزب‌ا... اعلام کرد تجمع نظامیان رژیم صهیونیستی را در منطقه شتولا با سلاح مناسب هدف قرار داده که در پی آن، نظامیان مستقر در آن کشته و زخمی شدند. حزب‌ا... همچنین تاسیسات نظامی رویسات العلم رژیم صهیونیستی در مزارع اشغالی شبعا را با موشک هدف قرار داد.
مبارزان مقاومت یک تجمع نظامیان صهیونیست در اطراف تاسیسات نظامی جل‌العلام را نیز هدف حملات موشکی قرار دادند که نیروهای حاضر در آن کشته و زخمی شدند.

گزارش

احتمال موافقت آمریکا با جدایی بخش‌هایی از دونتسک، لوهانسک و کریمه

لگد ناتو به جسد اوکراین

محمد علیزاده
بخش بین‌الملل

این روزها سیگنال‌های نگران‌کننده‌ای از طرف ناتو خطاب به زلنسکی و کی‌یف مخابره می‌شود که با شعارهای تبلیغاتی و فریبنده ماه‌های ابتدایی جنگ اوکراین تفاوت فاحشی دارد. صورت مسأله این است که اکثر اعضای ناتو تنها چاره عبور از بحران‌های خودساخته در جنگ اوکراین را پذیرش شکست کی‌یف در این آوردگاه تلقی می‌کنند. برخی مراکز فکر آمریکا به جمع‌بندی پذیرش طرح تقسیم اوکراین و سیطره روسیه بر شرق این کشور برای ممانعت از پیروزی مسکو رسیده‌اند. آنها معتقدند تعمیق شکاف و مواجهه میان روسیه و غرب و فرسودگی توان آن در تنش‌های نظامی و امنیتی و نیز نیاز کمک به رژیم صهیونیستی، به نفع آمریکا در این طرح خواهد بود. به عبارت بهتر، مقامات آمریکایی تن به طرح کیسینجر (طرحی که قبل از مرگ خود ارائه کرد) داده و خواستار تجزیه بخش‌هایی از اوکراین در ازای پایان جنگ هستند.

یکی از شاخص‌هایی که در تحلیل فرامتن جنگ اوکراین باید مورد توجه قرار گیرد، به تاب‌آوری افکارعمومی غرب نسبت به منازعات درون اروپایی و بیرون اروپایی بازمی‌گردد. فرسایشی شدن جنگ اوکراین، تبدیل به پاشنه‌آشیل زلنسکی و ناتو شده و بسیاری از دولت‌های اروپایی تحت تاثیر مخالفت افکارعمومی کشورهای‌شان از اجرای تعهدات تسلیحاتی و اقتصادی خود در حمایت از دولت زلنسکی سر باز زده‌اند. اخیرا نیز مقامات رسمی و دولتی چک در بیانیه‌ای اعلام کردند توان استمرار حمایت‌های نظامی خود از اوکراین را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی مقامات ارشد ناتو در بن‌بست خودساخته گرفتار شده‌اند. ضمن آن‌که فرسایشی شدن جنگ غزه و عدم تحقق پیش‌بینی‌های غرب در خصوص نابودی حماس نیز بیش از پیش منتج به بدبینی افکارعمومی کشورهای اروپایی نسبت به فرجام جنگ اوکراین شده است.

شواهد میدانی علیه اوکراین

شواهد میدانی نیز علیه کی‌یف رقم خورده و قدرت مانور ارتش اوکراین را شدیدا محدود ساخته است. شکست ضدحمله ارتش اوکراین علیه روسیه، تمام امیدهای ناتو برای تغییر موازنه در صحنه نبرد را از بین برده و اکنون، بحث بر سر نحوه حذف زلنسکی از معادلات قدرت (از سوی ناتو) است؛ ممکن است این اقدام با کودتای نظامی یا مجاب‌کردن زلنسکی درباره پذیرش رسمی شکست در مقابل روسیه صورت گیرد. اخیرا رئیس جمهور اوکراین با لحنی خشمگینانه، اخبار منتشرشده در رسانه‌های غربی مبنی بر درخواست کاخ سفید و ناتو از کی‌یف مبنی بر آغاز مذاکرات آتش‌بس با مسکو را تکذیب کرد. با این حال مواضع اخیر سران ناتو به‌وضوح نشان می‌دهد چنین اخباری کاملا صحت دارد. زلنسکی به ته خط رسیده و ناتو نیز به‌رغم صرف تمام توان خود علیه روسیه، نتوانسته به اهداف تعیین‌شده اولیه در جنگ دست یابد. در چنین شرایطی بقای زلنسکی حتی برای بایدن و استولتنبرگ نیز توجیهی ندارد. وضعیت کنونی زلنسکی، شاهد مثال گویایی است که بیانگر عاقبت بازی در زمین آمریکاست.

آدرس‌های نامربوط زلنسکی

در چنین شرایطی رئیس جمهور اوکراین چاره‌ای جز ارائه آدرس‌های انحرافی و غلط در قبال شکست تمام‌عیار خود و همراهانش در جنگ نمی‌بیند. او به‌وضوح دریافته که تاریخ‌مصرف وی برای اعضای پیمان آتلانتیک شمالی به پایان رسیده و حتی امکان مذاکرات واشنگتن و مسکو بر سر جنگ اوکراین و نحوه پایان‌دادن به آن (بدون آن‌که اوکراین اساسا در این میان تصمیم‌گیر باشد!) وجود خواهد داشت. زلنسکی درحالی‌که کمتر از یک‌سال تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مانده است، هشدار داد که بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید می‌تواند «تاثیری قوی» بر جنگ اوکراین داشته باشد. او گفت: «اگر سیاست رئیس‌جمهور بعدی، هرکسی که باشد، در قبال اوکراین تفاوت کند و سردتر یا اقتصادی‌تر شود، فکر می‌کنم سیگنالی خواهد بود که تأثیری بسیار قوی بر روند جنگ خواهد گذاشت.»
این درحالی است که شکست اوکراین در جنگ، تابعی از حضور دموکرات‌ها یا جمهوریخواهان در راس معادلات قدرت در واشنگتن نخواهد بود. این شکست، اکنون به‌نوعی رسمیت یافته و بازیگران بین‌المللی درصدد ترسیم مختصات عملیاتی و نهایی آن هستند. در چنین شرایطی دوگانه‌سازی میان جمهوریخواهان و دموکرات‌ها از سوی رئیس جمهور شکست‌خورده اوکراین، معنایی واقعی ندارد. اساسا شاید در زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴ میلادی، نه خبری از جنگ اوکراین باشد نه زلنسکی! ابراز نگرانی رئیس جمهور اوکراین از حضور ترامپ در مسند قدرت در حالی بیان می‌شود که تصویب بودجه کمکی برای اوکراین در کنگره آمریکا به بن‌بست خورده و حتی برخی مشاوران بایدن روی خوشی نسبت به این جنگ و مطالبات کی‌یف نشان نمی‌دهند. در این میان، دولت اوکراین از یک سو باید جدایی بخشی از خاک خود (بخشی از مناطق شرقی به همراه کریمه) را بپذیرد و متعاقبا، تضمین دهد که عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز نخواهد شد. فراتر از آن، اوکراین باید سال‌ها و بلکه دهه‌ها، در انتظار بازگشت به دوران قبل از جنگ و رفع آثار این نبرد گسترده باقی بماند. این شرایط دهشتناک، محصول بازی کورکورانه زلنسکی و غرب‌گرایان اوکراین در زمین ناتو (به‌ویژه آمریکا) بوده است.

ذره‌بین

رکوردشکنی میزان نارضایتی آلمانی‌ها از صدراعظم

اولاف شولتز بازنده بزرگ سال ۲۰۲۳

کاهش محبوبیت اولاف شولتز، صدراعظم آلمان با سرعت زیاد ادامه دارد و چند روز پس از انتشار گزارش‌هایی از احتمال کناره‌گیری او در آینده نزدیک، نتایج برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد میزان نارضایتی آلمان‌ها از عملکرد شولتز در حال ثبت رکوردهای جدیدی است. نشریه اینترنتی بیلد آلمان در گزارشی اعلام کرد نتایج جدیدترین نظرسنجی نشان می‌دهد میزان رضایت شهروندان آلمانی از اولاف شولتز، صدراعظم آلمان به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. طبق نظرسنجی جدید مؤسسه اینفراتست دیامپ، فقط ۱۹ درصد شهروندان اعلام کردند از کار صدراعظم خود راضی هستند.
نتایج این نظرسنجی همچنین نشان می‌دهد میزان محبوبیت وزرای دولت ائتلافی شولتز نیز نسبت به ماه گذشته کاهش یافته است و رابرت هابک، وزیر اقتصاد و کریستین لیندنر، وزیر دارایی فدرال آلمان صرفا اندکی بهتر از صدراعظم آلمان عمل کردند.
نتایج این نظرسنجی حاکی است که ۲۴ درصد عملکرد هابک و ۲۳ درصد از عملکرد لیندنر راضی هستند.
از میان سایر سیاستمداران آلمانی نیز فریدریش مرز، رهبر حزب دموکرات مسیحی نیز ۲ درصد از دست داد اما با ۳۰ درصد همچنان پس از بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان با ۵۱ درصد و آنالنا بائربوک، وزیر خارجه سبز با ۳۱ درصد در رتبه سوم قرار گرفت. بر این اساس، با وجود این‌که بائربوک در جایگاه دوم قرار گرفت، باید باخت ۷ درصدی در مقایسه با ماه دسامبر را نیز می‌پذیرفت. به نوشته نشریه بیلد، رأی دهندگان آلمانی از عملکرد دولت ائتلافی آلمان رضایت ندارند و صرفا ۱۷ درصد واجدین شرایط همچنان از عملکرد دولت رضایت دارند. ۸۲ درصد شهروندان آلمانی هم بدون تغییر از عملکرد ائتلاف حزب سوسیال دموکرات، سبزها و لیبرال دموکرات کمتر یا اصلا رضایت ندارند.

افزایش گرایش مردم آلمان به راست افراطی

نتایج نظرسنجی اخیر درباره میزان محبوبیت سیاستمداران آلمانی نشان داد میزان محبوبیت شولتز حتی از رئیس حزب افراطی جایگزینی برای آلمان هم کمتر شده است.
اولاف شولتز بیشترین ریزش محبوبیت را داشته و میزان تایید وی نسبت به نظرسنجی سال گذشته با ۱۰ واحد کاهش به ۲۶ درصد رسیده است و این او را در رتبه دوازدهم پس از آلیس وایدل، قرار می‌دهد. یک رسانه آلمانی هم اخیرا در مطلبی با توجه به چشم‌انداز خوب موفقیت و صعود حزب افراطی آلمان در انتخابات‌های پیش‌رو خطر یک زلزله سیاسی را در سال ۲۰۲۴ بیخ گوش آلمان و دولت ائتلافی آن به رهبری اولاف شولتز دانست. میشل فریدمن، روزنامه نگار معروف آلمانی اخیرا در سخنانی گفته است: سال ۲۰۲۴ سال حزب افراطی جایگزینی برای آلمان است. او با نگرانی به سال‌های آینده می‌نگرد.
اعداد نظرسنجی برای حزب افراطی آلمان که ماه‌ها بالا بوده به نظر پیش لرزه‌ای برای این زمین لرزه سیاسی است. انفجار بزرگ ممکن است در ماه سپتامبر اتفاق بیفتد اگر این حزب برای اولین بار از زمان تاسیس خود به عنوان برنده یک یا حتی چند انتخابات ایالتی در زاکسن، تورینگن و براندنبورگ ظاهر شود.

کناره‌گیری احتمالی شولتز

به دنبال ادامه کاهش محبوبیت اولاف شولتز، رسانه‌های آلمانی از احتمال تغییرات در رهبری آلمان خبر می‌دهند و نشریه آلمانی گزارش کرد اولاف شولتز احتمالا پیش از به پایان رساندن دوره صدراعظمی خود از سمتش کناره‌گیری می‌کند.
نشریه بیلد آلمان گزارش داد، اولاف شولتز به احتمال زیاد در اوایل سال ۲۰۲۴ از صدراعظمی آلمان استعفا خواهد داد و یک نشریه ایتالیایی نیز گمانه‌زنی کرد که بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع فعلی جای او را خواهد گرفت. اخیرا یک مطالعه که از سوی شرکت افکارسنجی اینسا (انستیتوی ملی علوم کاربردی لیون) برای نشریه بیلد انجام و نتایجش در آخرین روز سال ۲۰۲۳ یعنی ۳۱ دسامبر منتشر شد نشان داد، حمایت آلمانی‌ها از حزب سوسیال دموکرات این کشور در طول سال ۲۰۲۳ از ۲۰ درصد به ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده است.
به گفته تحلیلگران، دلیل این افت محبوبیت حزب سوسیال دموکرات این بوده که از هر پنج آلمانی فقط یک نفر ارزیابی مثبتی درباره عملکرد اولاف شولتز در مقام صدراعظمی این کشور دارد.
به نوشته لاریوبلیکا، دو منبع ناشناس گفتند که دلیل بالقوه استعفای شولتز، رسوایی مربوط به شرکت Wirecard و جان مارسالک، رئیس آن (که هم اکنون در مسکو زندگی مخفیانه دارد) است. شولتز در زمان وقوع این رسوایی در صدر وزارت اقتصاد فدرال آلمان و سازمان تنظیم مالی این کشور که در اعلام بزرگ‌ترین دسیسه کلاهبرداری آلمان از زمان جنگ جهانی دوم شکست خورد، قرار داشت. شولتز این که خودش در این رسوایی مالی شخصا مسئولیت داشته را رد کرده است.